



صحنه‌های عظیم دفاع مقدس نباید به فراموشی سپرده شود

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای متن بیانات رهبر معظم انقلاب را در دیدار ارادتی، نویسنده و برخی از دست‌اندرکاران کتاب لشکرخوبان منتشر کرد.

رهبر معظم انقلاب در دیدار دست‌اندرکاران کتاب لشکر خوبان: صحنه‌های عظیم دفاع مقدس نباید به فراموشی سپرده شود

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای متن بیانات رهبر معظم انقلاب را در دیدار ارادتی، نویسنده و برخی از دست‌اندرکاران کتاب لشکرخوبان منتشر کرد.

متن این بیانات به شرح زیر است:

... خداوند ان شاء الله، هم به شما برادران عزیزی که در دوران دفاع مقدس این زحمات را کشیدید اجر بدهد و ان شاء الله عزت شما را - هم در دنیا، هم در آخرت - روزافزون کند، هم به آقای رضایی که این کتاب (۱) را روایت کردند و همچنین به خانم سپهری که این کتاب را تحریر کردند اجر بدهد؛ هم روایت روایت بسیار خوبی است، هم نگارش نگارش بسیار ممتازی است. این خانم قبلاً هم کتاب نورالذین (۲) را نوشته بودند؛ خیلی واقعاً ارزش دارد این قلم‌ها. بنده خدا را شکر می‌کنم وقتی که برخورد می‌کنم به این پدیده‌های بسیار برجسته و شیوای ادبیات انقلاب اسلامی، واقعاً جای این دارد که انسان خدا را شکر کند.

هر تک‌تک و قسمت‌قسمت قضایای دفاع مقدس برجسته است؛ یعنی واقعاً هرچه انسان بیشتر غور می‌کند، بیشتر دقت می‌کند، بیشتر اطلاع پیدا می‌کند، عظمت این پدیده عجیب و حادثه مهم هشت‌ساله در چشم انسان بیشتر روشن می‌شود. ما که حالا آن وقت در جریان مسائل قرار می‌گرفتیم، فرماندهان می‌آمدند به ما گزارش می‌دادند، خیال می‌کردیم که همه چیز را می‌دانیم؛ وقتی انسان این کتاب‌ها را می‌خواند، معلوم می‌شود که ما یک چیز خیلی مختصری را از آن اقیانوس عظیم فعالیت و تلاش و جهاد و ارزش اطلاع داشتیم؛ واقعاً خیلی فوق‌العاده است.

خب، قبلاً چند کتاب دیگر هم بود که خواندیم؛ این کتاب 171#&؛ لشکر خوبان؛ هم که این خانم نوشتند که مربوط به لشکر عاشورا است، بسیار کتاب خوبی است، بسیار؛ از این جهت هم اهمیت دارد به‌طور ویژه که درباره نیروهای اطلاعاتی و نیروهای غواص است. چون اطلاعاتی‌ها حرف که نمی‌زنند با آدم - همان 171#&؛ گفتند نگویید؛ [را رعایت می‌کنند] - لذا خیلی از مطالبی که اینها دارند و اطلاعاتی که دارند، معمولاً در طول این سال‌ها مکتوم مانده؛ این‌ها باز بشود، روشن بشود. ماجرای غواص‌ها هم که واقعاً یک ماجرای عجیب و غریبی است، یک ماجرای بسیار برجسته‌ای است؛ در این کتاب، خوب تشریح شده. یکی از بزرگ‌ترین هنرهای نویسندگان - یعنی کسانی که روایت می‌نویسند - چه رمان‌نویس، چه داستان کوتاه، چه خاطره و یکی از مهم‌ترین بخش‌های کارشان این است که بتوانند لحظات حساس را ترسیم کنند. بعضی از کتاب‌ها را انسان نگاه می‌کند، داستان مفصلی است، وقتی به آن لحظه حساسی که یک حادثه درونی در وجود یک شخصیتی از شخصیت‌های این داستان دارد شکل می‌گیرد یا یک اتفاق مهمی دارد در بیرون می‌افتد، چون نمی‌توانند تصویر کنند، از اینجایا می‌گذرند؛ مثل کسی که نقطه‌چین کند یک بخشی را، نقطه‌چین می‌کنند، می‌گذرند.

این خاطراتی که نوشته می‌شود، من حالا دارم می‌خوانم - یعنی سال‌ها است که من با این خاطرات بحمدالله مأنوسم و می‌خوانم - یکی از محسنات این نگارش‌های خوب و برجسته این است که این لحظه‌های حساس را توانسته‌اند تصویر کنند، توانسته‌اند تشریح کنند، توانسته‌اند بیان کنند. بعضی از لحظه‌ها هست که جز با تصویر جسمانی و نمایشی قابل فهمیدن نیست؛ [اگر این را کسی بتواند در نگارش، خوب بیان کند، خوب تصویر کند، واقعاً هنر بسیار بزرگی است؛ حس را منتقل می‌کند به خواننده از هر زبانی؛ یعنی به هر زبانی این جور نوشته‌ها ترجمه بشود، بسیار مفید خواهد بود، یعنی می‌تواند پیام را برساند؛ چون واقعاً هنرمندی به کار رفته در بیان - هم بیان راوی، هم نگارش نویسنده - و خیلی خوب تشریح شده. خب، لحظات حساس هم که در این کتاب‌ها کم نیست؛ به خصوص در این قضیه غواص‌ها و آن تشریح و تصویری که از غواص‌ها و از کار آن‌ها شده و آن شعر 171#&؛ غواص‌لار؛ حاج صمد ... یعنی [برای] کسی که می‌فهمد این مضمون را، واقعاً اینها تکان‌دهنده است. هم گوینده خیلی خوب گفته، هم این حاج اصغر آقای مداح زنجانی که ظاهراً این را خیلی خوب می‌خوانده: لای لای ای جبهه لرین یورغونی / ای خسته جوان لار ... لای لای ارون‌دکناریندا/ قیزیل قانه باتانلار.

بله، خیلی شعرهای فوق‌العاده‌ای است، کتاب هم کتاب بسیار خوبی است. آنچه من توصیه می‌کنم به همه - هم به خود شماها که این صحنه‌ها را با جسم و روح خودتان آزمودید و لحظه لحظه این ساعات دشوار را درک کردید و حس کردید، و هم به دیگران - [این است که] نگذارید [اینها] به دست فراموشی سپرده بشود. از اولی که این دفاع مقدس شروع شد و آن حماسه عظیم با نقس گرم امام بزرگوار خلق شد و این جوان‌ها سرازیر شدند رفتند، همه دست‌های شیطانی در صدد بودند که نگذارند زیبایی‌ها و شکوه این حادثه منعکس بشود، همه؛ سعی‌شان این بود که نگذارند آن عظمتی که در این کار بود، منعکس بشود. به علاوه بر این که خیلی از عظمت‌ها را انسان‌ها تا نزدیک نباشند، تا لمس نکنند، یا لاقلاً با یک شیوه هنری از آن مطلع نشوند، نمی‌توانند همه آن قضایا را بفهمند. بعدها هم همین‌جور؛ در طول این سال‌های بعد از جنگ - این بیست و پنج سالی که از خاتمه جنگ تا امروز گذشته - خیلی‌ها تلاش کردند که نگذارند این حماسه‌ها زنده بشود. شماها عکس این عمل کنید؛ نقطه مقابل این عمل کنید. شما هم که

خودتان آنجاها بودید، بگویید؛ بگذارید این نوشته‌ها همدیگر را تقویت کند. من در کتاب آقای نورالدین، اسم این آقای مهدی‌قلی رضایی را دیدم؛ ایشان در همین قضیه غواص‌ها، يك جا مي گوید كه #171؛مهدی‌قلی رضایی كه از نیروهای باسابقه جبهه است؛ این ها همدیگر را كاملاً تأیید مي كند؛ یعنی ابعاد گوناگون قضایا را روشن مي كند. [باید] هر چه بیشتر گفته بشود، هر چه بیشتر نوشته بشود، هر چه صادقانه‌تر منعكس بشود آن جزئیات؛ بدون كم و زیاد، بدون مبالغه؛ یعنی آن حوادث به مبالغه احتیاج ندارد؛ این قدر عظمت دارد كه خود حادثه را كه نقل كنند، شكوه خودش و عظمتی را كه در دل خودش هست نشان مي دهد. هیچ نیایستی مبالغه به كار برد. نباید هم كم گذاشت؛ باید همه جزئیات مهم و تأثیرگذار را بیان كرد كه هم‌ايش هم موثر است. همچنین به این آقایان محترم حوزه هنری و بقیه دستگاه‌های نشر هم توصیه مي كنم: این نوشتجات را قدر بدانید. این پدیده‌ها و این فراورده‌های تاریخ انقلاب را، تاریخ دفاع مقدس را قدر بدانید؛ این ها را باید خیلی قدر دانست. بین مردم هم منتشر بشود. این جوان های ما، نه جنگ را دیده‌اند، نه روایت درست و حسابی از جنگ شنیده‌اند؛ روایت درست، این‌ها است؛ این کتاب‌ها است؛ هر چه مي‌توانید كاری كنید كه در دسترس جوان ها قرار بگیرد [تا] جنگ را بشناسند، بفهمند چه بود، چه اتفاقی افتاد و جمهوری اسلامی چیست؛ ملت ایران چه كسانی هستند. این طاقت عظیمی كه در ملت ایران وجود دارد برای مواجهه با این امتحان‌های بزرگ را دست كم نگیرند. یکی از چیزهایی كه ملت ها را همیشه زبون مي كند و تحت سلطه دیگران قرار مي دهد، این است كه نقاط قوت ملت ها از چشم خودشان پوشیده بماند؛ نفهمند چه ارزش‌هایی، چه توانایی‌هایی، چه نقاط قوتی در آنها وجود دارد؛ این را نفهمند. باید ببینند جوان ها، بفهمند حادثه جنگ چه بود و چگونه جوان‌های ما بدون سازوبرگ حسابی، بدون توانایی‌ها و پیش‌آمادگی‌هایی كه معمولاً برای این‌جور كارها لازم است، رفتند و چه كردند. ترجمه هم باید بشود.

البته در ترجمه این ها، به گمان من باید مترجم كسی باشد كه زبانی كه به آن ترجمه مي كند، زبان مادریش باشد؛ بدون این نمی شود؛ هم نویسنده باشد، هم زبان مادریش باشد. حالا [در] بعضی از زبان‌ها، پیدا كردن این‌جور آدمی ممكن است آسان نباشد، اما [در] بعضی از زبان‌ها نه، آسان است؛ مي‌توانید كسانی را پیدا كنید كه مثلاً زبان مادریشان یا زبانی كه در دوره كودکی با آن پرورش پیدا كردند ولو زبان مادریشان هم نیست؛ مثلاً انگلیسی، من باب مثال. اگر اهل ذوق باشند، اهل نویسندگی باشند، قلم به دست بگیرند، این كتاب را ترجمه كنند، هر چه صرف كنید، می‌ارزد. البته به شرطی كه بتوانید منتشر كنید.

دستگاه‌های استكبار یکی از كارهایشان این است - برخلاف ماها كه گاهی خیلی روشنفكر مي شویم و مي‌گوییم كه همه‌چیز دست همه‌كس برسد، آن ها نه، آن ها بسیار متعصب و در این زمینه سختگیرند - به‌آسانی هم نمی‌گذارند آن چیزی كه شما ترجمه كردید، به دست مخاطبانش برسد؛ ولی خب باید راه پیدا كنید، بتوانید بكنید بنابراین ترجمه خیلی كار مهمی است.

به هرحال ان‌شاءالله كه همه‌تان موفق و مؤید باشید. امروز خوشحال شدیم شماها را ملاقات كردیم؛ همچنین آقای مهدی‌قلی رضایی را، همچنین يك بار دیگر آقای نورالدین را. ان‌شاءالله كه همه‌تان موفق باشید، مؤید باشید، ان‌شاءالله همیشه سربازان ثابت قدم انقلاب باشید همه‌تان. همچنین خانم سپهری كه واقعاً زحمت كشیدند، كار ایشان، خیلی با ارزش است، خیلی؛ خداوند ان‌شاءالله به ایشان توفیق بدهد. و بدانید خانم سپهری كه این كاری كه شما كردید - این دو كتابی كه حالا بنده دیدم درآوردید - تحقیقاً مصداق جهاد فی‌سبیل‌الله است، برای خاطر این كه دشمنان این انقلاب و دشمنان سبیل‌الله سعی دارند كه نگذارند این راه روشن مقابل چشم ها قرار بگیرد؛ شما درست عكس آن ها، نقطه مقابل آن ها عمل كردید؛ بنابراین، این مجاهدت در راه خدا است، ان‌شاءالله كه خدا از شما قبول كند و ان‌شاءالله خداوند نیت‌های همه ما را خالص كند، كار ما را، فكر ما را، حرف ما را، عمل ما را برای خودش و در راه خودش قرار بدهد.

والسلام علیكم و رحمه الله و برکاته

۱- كتاب #171؛لشكر خوبان؛

۲- كتاب #171؛نورالدین پسر ایران؛